

بررسی نقش شهید سلیمانی در مقابل منازعات امنیتی رژیم صهیونیستی و تروریسم جهانی از منظر حقوق بشر

دکتر سعید جهانگیری^۱ / حکیمه السادات میررفیعی^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸

چکیده

شهید سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و مدیر برنامه ریزی و عملیاتی راس سخت افزار امنیتی ایران به عنوان محور قدرت شیعه در خاورمیانه بود. هدف ما در این پژوهش بررسی نقش آفرینی‌های شهید سردار سپهد سلیمانی در جبهه‌های مختلف نبرد با تروریسم بدوه است که ایشان را به مرکز محور مقاومت تبدیل کرده بود. ترور سپهد سلیمانی نه تنها مقاومت را تضعیف نکرد، بلکه باعث انسجام بیشتر آن نیز شده است. نقش حاج قاسم سلیمانی در پیروزی های جبهه مقاومت در مبارزه با استکبار جهانی، صهونیسم بین الملل و ارتجاع منطقه یک نقشی اثرگذار می باشد که موجب شد خلافت خودخوانده داعش در عراق و سوریه از بین رود و از وی به عنوان نمادی از مبارزه به تروریسم در جهان مطرح شود. سوال اصلی ما در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی می باشد این است که نقش شهید سردار سپهد قاسم سلیمانی در محور مقاومت در منازعات امنیتی رژیم اشغالگر صهیونیستی از منظر حقوق بشر چه بوده است؟ یافته ها نشان می دهد که فرمانده شجاع و دلاور نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با داشتن تفکری نظامی، اندیشه استراتژیک و به مانند یک دیپلمات زیرک، به عنوان نیروی فعال در سیاست خارجی کشورمان نقشی مهم ایفا می کرد. قاسم سلیمانی برای جمهوری اسلامی تنها یک فرمانده نظامی نبود، او نماد محور مقاومت» بود که پایه های جمهوری اسلامی بر آن بنا شده است.

واژگان کلیدی: شهید حاج قاسم سلیمانی، تروریسم، رژیم اشغالگر صهیونیستی، داعش، منازعات امنیتی

^۱ مدرس دانشگاه، دکتری تخصصی علوم سیاسی مسائل ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. (نویسنده مسئول)

saeedjahangiri61@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان.

hakimemirrafiee63@gmail.com



مقدمه

این فرمانده به جنگ های مستقیم در عراق ، سوریه ، لبنان و یمن کمک کرد و وی چهره تلاش های ایران برای ایجاد یک بلوک منطقه ای از قدرت شیعه توصیف می شود. او شکل جنگ داخلی سوریه را تغییر داد آمریکایی در حوالی فرودگاه بغداد به شهادت ناآل آمد. درست همانطور که موفقیت های وی ایجاد محور نفوذ شیعیان در خاورمیانه را تشکیل داد و ایران در مرکز آن قرار داشت ، اکنون درگذشت وی احتمالاً محوری در یک فصل جدید از تنش های ژئوپلیتیکی در منطقه است.^۱ اسدالهی (اسدالهی ۱۳۷۹: ۸۸).

اولین سال های تصدی شهید سردار سلیمانی در اواخر دهه ۱۹۹۰ به هدایت تلاش های گروه مبارز حزب الله علیه اشغال نظامی اسرائیل در جنوب لبنان اختصاص داشت. شهید سردار سلیمانی ، به همراه عماد مغنیه ، فرمانده نظامی حزب الله ، یک جنگ پیچیده در قالب جنگ چریکی را با ترکیب کمین ، بمب کنار جاده ، بمب گذاران انتحاری ، قتل افسران ارشد اسرائیلی و حمله به پست های دفاعی اسرائیل آغاز نمود. در ماه مه ۲۰۰۰ از لبنان خارج شد. با عملکرد تیم وی هزینه های اسرائیل بسیار بالا برآورد شد و این یک پیروزی بزرگ برای شهید سردار سلیمانی ، نیروی قدس و حزب الله محسوب شد. تامیر پارودو (۲۰۰۲)، رئیس سابق سرویس اطلاعاتی موساد اسرائیل ، اظهار داشت " ظهور بهار عربی در خاورمیانه ، و بعد از آن مبارزه با داعش، شهید سردار سلیمانی را از یک شخصیت سایه ای به یک بازیگر اصلی در ژئوپلیتیک منطقه تبدیل کرد". (منسفیلد ۱۳۸۸: ۸۸).

شهید سردار سلیمانی را می توان به دو دوره تقسیم کرد. تا بهار عربی ، او فرمانده نیروی قدس است که در مناطق مختلف جهان شاخه دارد و عمدتاً در سوریه ، لبنان و عراق فعالیت می کند ، اما در پایتخت عربی یک سازمان عملیاتی مخفی است که هدف اصلی آن جنگ است. " آقای پارودو ادامه داد: "از شوکی که به خاورمیانه پس از ظهور داعش وارد شد ، او در حال تغییر مسیر است. " او یک بازیکن منطقه ای برجسته بود ، و با استعداد فراوان می دانست که چگونه از زیرساخت های مخفی خود برای سالهای طولانی برای دستیابی به اهداف غیر پنهانی - جنگیدن ، پیروزی ، ایجاد حضور و تاثیر عمق استراتژیک بهره برداری نماید. " (اسدالهی ۱۳۹۹: ۱۸۱).

¹ - <https://www.nytimes.com/2020/01/03/obituaries/qassem-soleimani-dead.html>



مطالعات امنیتی سازه انگاری در روابط بین الملل، کار خود را با نقد برداشت عقلانیت گرایانه نئورئالیست ها و نئولیبرال ها آغاز می کند. سخن روشن اندیشمندان سازه انگاری این است که تصمیمات و مواضع بازیگران، بر اساس برداشتی است که طی تعامل با دیگران به دست می آورند و پیش از شروع تعامل، هویت و منافع قابل تصور نیست. به گفته نیکلاس اوف، جهان پیش رو جهانی است که ما می سازیم نه اینکه خود قواعد لایتغیری داشته باشد. این ما هستیم که جهان را معنا و اداره می کنیم. تحلیل سازه انگارانه از مفهوم امنیت به دلیل ظهور و گسترش جامعه شبکه ای و پسا صنعتی و همچنین با توجه به تاکید بر نقش محوری انگاره ها، ساخت بین الاذهانی واقعیت و مرتبه برجسته هویت، توانسته است نگرش مکانیکی نئورئالیستی را تعدیل و تحلیلی کیفی از مفهوم امنیت ارائه دهد.^۱ بوزان (بوزان، ۱۳۸۸: ۲۰۱).

سردار ایرانی شهید قاسم سلیمانی بیش از یک دهه در لیست "بیشترین تعقیب"^۲ اسرائیل بود. اطلاعات اسرائیلی او را در ابتدای کار خود به عنوان تهدیدی آشکار شناسایی کرد و با گذشت زمان حتی از پیش بینی تهدیدات جدی نیز بهتر عمل کرد، زیرا او به طور سیستماتیک نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در مجموعه عملیات مخفی منطقه ای به ساختاری استراتژیک مبدل ساخت. سرلشگر شهید سلیمانی یکی از مجریان بسیار پیچیده استراتژی بلند مدت ایران بود که می توان آن را تلاشی برای ساختن "هلال مضاعف شیعه"^۳ توصیف کرد. اولین بار، در عبارتی نمادین که در سال ۲۰۰۴ توسط پادشاه اردن عبدالله دوم ابداع شد، "هلال شیعی" است که از ایران از طریق عراق و سوریه به سواحل مدیترانه لبنان می رود. مورد دوم هلال اطراف اسرائیل است که آن را از شمال (حزب الله لبنان)، از طریق شمال شرقی (سپاه و شبه نظامیان طرفدار ایران در سوریه)، تا شرق (اردن که رژیم آن هدف بلند مدت است) محاصره می کند از ایران، به جنوب عمیق (حوثی ها در یمن)، و در آخر به جنوب غربی (غزه)، از طریق شرکت تابعه جهاد اسلامی فلسطین، و همکاری متغیر با حماس). (Deutsch, 2018: 258).

اسرائیل با هشدار فزاینده ای نظاره گر این بود که هر دو هلال به کندی جمع می شوند. این کشور تصمیم گرفت با تمرکز بر صحنه سوریه، نقطه همگرایی دو هلال، برای خنثی کردن این روند اقدام کند. صدها حمله هوایی علیه سپاه، حزب الله و سایر شبه نظامیان مورد حمایت ایران تنها تا

^۱ چارچوبی تحلیلی برای مفهوم امنیت از منظر سازه انگاری، درجه علمی: علمی-پژوهشی (دانشگاه آزاد)، مجید عباسی اشلقی مرتضی فرخی، مطالعات سیاسی زمستان ۱۳۸۸ شماره ۶.

^۲ most wanted

^۳ double Shi'a Crescent



حدی موفقیت آمیز بود. آنها سرعت محاصره را کند کردند، اما استراتژی یا چشم انداز بلند مدت ایران را تغییر ندادند. (مرل، ۱۳۷۴: ۳۷).

بیش از یک دهه قبل، در فوریه ۲۰۰۸، اسرائیل و ایالات متحده، فرمانده نظامی حزب الله، عماد مغنیه را در دمشق به شهادت رساندند، در حالی که او با شهید سلیمانی بود. بنا به گزارش رسانه ها، رئیس جمهور جورج دبلیو بوش بود که خواستار نجات شهید سلیمانی در زمان واقعه شد. در حالی که تقریباً ۱۲ سال بعد، دونالد ترامپ خواستار حذف وی شد و اسرائیل نمی توانست خوشحال تر از این نباشد^۱ بزرگترین دشمن مردم یهود از زمان جنگ جهانی دوم" تا کنون سردار شهید بود. البته برای اسرائیلی ها، این یک "برد دو سر" بود - یک ضربه استراتژیک به ایران و یک بازگشت استراتژیک برای ایالات متحده که توسط برخی از مفسران با تجربه تر به عنوان پیروزی ترامپ به اتفاق آرا "پس گرفتن بازدارندگی آمریکا" و "اثبات عدم ترک آمریکا از خاورمیانه" معرفی شد (Eran Etzion, ۲۰۲۰).

زمان و زمینه سیاسی ترور سردار شهید نیز به ویژه از دیدگاه اسرائیل مطلوب قلمداد شد. از یک سو، در ماه های آخر، لحن غالب در گفتمان عمومی بیشتر و بیشتر در مورد "تنهایی استراتژیک" اسرائیل بیشتر می شد. این یک تفکر اسرائیلی-یهودی کاملاً جا افتاده است که در عبارت کتاب مقدس "... این مردمی است که باید تنها زندگی کنند و در میان ملت ها حساب نمی شوند" از بامیدبار (عبری به معنی "در صحرا") ۲۳: ۹. جالب است که یک تفاوت مهم بین متن اصلی و ترجمه انگلیسی وجود دارد. در نسخه عبری، این عبرانیان هستند که به طور فعال "Goyim" - همه ملت های دیگر را نادیده می گیرند. در ترجمه، این برعکس است - ملت های جهان بازیگران فعال هستند، و نه "حساب" با عبرانیان. در فرهنگ استراتژیک مدرن اسرائیل، از بدو تأسیس، مفهوم دفاع از ملت به تنهایی و بدون وابستگی به هیچ قدرت خارجی، ستون اصلی دکترین دفاع ملی بوده است. نشانه گیری سنگین و مکرر دولت ترامپ از آرزوی خود برای "پایان دادن به جنگ های بی پایان خاورمیانه" این مفهوم قدیمی را تقویت می کرد. قابل توجه است، در یک سخنرانی نادر یک ساعته، رئیس ستاد کل نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF)، سردار آویو کوچاوی، سخنان تقریباً سرزنش کردن ملت های جهان، به ویژه ایالات متحده، را برای حمله به ایران مطرح کرد. تحریکات و استراتژی همزونی منطقه ای بی پاسخ است. نتیجه گیری او و دیگران روشن بود: این

¹ double-header



تنها اسرائیل و اسرائیلیان هستند که باید با ایرانیان روبرو شوند و اکنون باید این کار انجام شود زیرا دشمن دائماً در حال پیشرفت است و زمان با ما نیست (Aviv Kochavi, 2020:99).

۱. طرز فکر، حمله پیشگیرانه "حمله پیشدستانه"^۱ البته در اسرائیل نیز یک سنت قدیمی است. متخصصان و محققان استراتژیک به طور کلی این درس تاریخی را می پذیرند که جنگ شش روزه، با حمله پیشگیرانه حیرت انگیز، آخرین پیروزی قاطع نظامی اسرائیل بود. بنابراین خبر تصمیم جسورانه ترامپ یادآور آن عنصر نوستالژیک "غافلگیری استراتژیک"^۲ است. (روزنامه جوان، ۱۳۹۹:۳)

اکنون بیشتر و بیشتر صداها خواستار "اهرم موفقیت"^۳ با تشدید حملات اسرائیل و سایر عملیات های مستقل اسرائیل علیه ایران هستند که عمدتاً نه فقط در سوریه، بلکه به نظر می رسد زمینه کلی حمایت از موضع تهاجمی اسرائیل در منطقه گسترانیده شود. برخی از اضلاع برجسته شامل فروپاشی سریع برنامه جامع اقدام مشترک^۴ و بازگشت تدریجی ایران به سطوح غنی سازی قبل از توافق، چراغ سبز دائمی توسط ترامپ تقریباً در مورد همه اقدامات اسرائیل و اعتراضات گسترده متعدد در ایران، همچنین در لبنان و عراق، که به نظر بسیاری از اعضای کابینه اسرائیل به طور واقعی ضد ایرانی است. این نشانه ها مبین نشانگان خطرناکی برای امنیت منطقه محسوب می شود و روی هم رفته بیانگر آن است که، نیروهای مورد حمایت ایالات متحده، یک فشار حداکثری و بین المللی برای ترجیح اسرائیل در منطقه ایجاد می کند، که روابط اخیر با امارات و بحرین، گوشه ای از آن است و شاهد عملی آن نقش موثر اسرائیل در حمایت تجهیزات نظامی پیشرفته به دولت آذربایجان بعلاوی کمک نیروی نظامی ترکیه بر علیه ارمنستان بر سر اختلاف قره باغ، می باشد.^۵ (تاجیک، ۱۳۸۳: ۵۵).

با استناد به معلومات و مجهولات یک فرمول تغییر پذیر، تنها یک حمله پیشگیرانه به جای یک بازی موفقیت آمیز از فعالیت آغازین جنگ شش روزه، ممکن است بیشتر شبیه جنگ دوم یوم کیپور باشد، با صحنه های ویرانگری و ضربه ای پایدار به روحیه ملی. فاجعه احتمالی سال ۱۹۷۳

¹ pro-“preventive-strike” or “preemptive strike.”

² strategic surprise

³ success leveraging

⁴ Joint Comprehensive Plan of Action

⁵ <https://www.mei.edu/publications/day-after-soleimani-israel-contemplates-success-leveraging>



بیشتر به دلیل حملات گسترده ارتش ایالات متحده و پشتیبانی دیپلماتیک جلوگیری شد. اما پرسش های بنیادی مطروحه بیانگر آن است که تا چه اندازه برنامه ریزان اسرائیلی اکنون می توانند به سطوح مشابه پشتیبانی ایالات متحده اعتماد کنند؟ آیا ترامپ ترجیح می دهد در هر دوره از انتخابات مسئولیت حمله پیشگیرانه را بر عهده بگیرد؟ یا هنوز دیپلماسی جایی در میان طیف گسترده ی عملیات پیشگیرانه ایالات متحده و ایران وجود دارد؟ شرایط پیش و پس از حمله ی پیشدستانه به سردار شهید اسلام، چه شرایطی را تحت تاثیر قرار داده است؟

۱- پیشینه پژوهش

Richard Harknett, 2020; نفوذ گزارش شده ایران علیه شبکه های زیرساختی حیاتی اسرائیل و اقدامات ادعایی اسرائیل علیه اهداف مرتبط با گسترش سلاح های هسته ای چالش های جدید قابل توجهی برای درک رقابت و درگیری مداوم در خاورمیانه است. این مبادلات سایبری را می توان از طریق دو لنز متمایز تفسیر کرد: به عنوان مبارزه برای دستیابی به بازدارندگی با استفاده از ابزار عملیات سایبری، یا به عنوان رقابت برای ابتکار عمل به منظور ایجاد شرایط برای مزیت امنیت نسبی در یک فضای پایدار سایبری. در هر صورت، این حوادث در حال انجام بهتر است نه به عنوان "پیچ و تاب از حملات آبی"، بلکه نگاه اجمالی گذرا بر ادامه فعالیت های سایبری است که با استفاده از قابلیت هایی که قبلاً فاش شده و به تازگی توسعه یافته است، هر یک از طرفین برای پیش بینی آسیب پذیری سایبری و شکل دادن به شرایط بهره برداری دست به گریبان است. ماهیت این تعاملات با سیاست های بوروکراتیک بالقوه و رقابت های بین خدماتی و همچنین پویایی ناشناخته یک کارزار منع گسترش سلاح های هسته ای برای کند کردن، برهم زدن و تخریب بالقوه ظرفیت هسته ای ایران، بیشتر پیچیده است. در پایان، اقدامات سایبری مشاهده شده نمی تواند بازتابی از محاسبه دقیق استراتژیک باشد، و حتی اگر با محیط عملیاتی هم تراز باشد، ممکن است منجر به نتایج مورد نظر نشود. عدم توانایی در جلوگیری از جلوگیری مداوم، یا عدم توانایی در مدیریت فعل و انفعالات مداوم، ممکن است خطرات بیشتری را به دنبال داشته باشد.



۲- مبانی نظری

سازه انگاری

۲-۱- دیدگاه سازه انگاری در روابط بین الملل

گفته شده است که ریشه سازه انگاری حداقل به آثار ویکو در قرن هیجدهم باز می گردد که به صورت نوعی روش شناسی قدیمی مورد استفاده و توجه فلسفه و تحقیقات تفسیری جامعه شناسان بوده است بعد از این ادوار سازه انگاری کمتر مورد توجه واقع شد و حتی میتوان گفت که هیچگاه مجالی برای بروز نیافت.. (Lantis, 2002: 106-7).

۲-۲- عوامل ظهور سازه انگاری

در واقع عوامل مختلفی به حضور سازه انگاری در روابط بین الملل و سیاست خارجی شتاب بخشید. اولاً پایان جنگ سرد قابلیت تبیین گری نو واقع گرایان و نو لیبرال ها را مورد سوال جدیدی قرار داد. (Weber, 2002: 66).

آنچنانکه که گفته ایم سازه انگاری به لحاظ محتوایی راه میانه نامیده می شود، به این معنی که که در میانه دو جریان و پارادایم اصلی از نظریه های روابط بین الملل یعنی واقع گرایی و لیبرالیسم قرار می گیرد. به عبارت دیگر سازه انگاری به لحاظ محتوایی برخی از مفروضه های خود را از واقع گرایی و برخی دیگر را از لیبرالیسم می گیرند. سازه انگاری نه تنها در بعد محتوایی بلکه در حوزه فرانظری دارای اهمیت است. بسیاری از نظریه پردازان روابط بین الملل، سازه انگاری را در کنار رویکرد مکتب انگلیسی یا جامعه بین الملل، راه میانه دانسته اند. بنابراین، این رویکرد از نظر محتوایی در میان دو پارادایم و جریان اصلی یعنی واقع گرایی از یک سو و آرمانگرایی از سوی دیگر قرار دارد. (رابرتسون، ۱۳۸۲ : ۸۴) اما به لحاظ فرا نظری، در میانه طیف طبیعت گرایان و اثبات گرایان از یک سو و پیاساختار گرایان از سوی دیگر قرار می گیرد. سازه انگاری روابط بین الملل منجر به طرح سوالات جدید در باب نقش هویت ها، هنجار ها و مفاهیم علمی در تامین امنیت ملی، در مورد نهاد گرایی و حکومت بین المللی و در مورد ساخت اجتماعی مناطق فراملی غیرسرزمینی و سرزمینی جدید گردیده است. (آقایی، ۱۳۹۸ : ۲۲۰). از دید سازه انگاری، لازم است هنجار های جمعی را به درون ساخت نظام بین الملل وارد کرد و طرحهای سیاسی به مثابه کنش گران اصلی روابط بین الملل باید از طریق گسترش ارتباطات و تعامل خود را با این هنجار های



حاکم بر روابط بین الملل تطبیق دهند. در واقع سازه انگاران بر این باورند که جامعه بین المللی بر اساس هنجار های وقواعد خاصی قرار دارند. (Aylor, 1992: 122)

۱) دولت ها همچنان مهمترین واحد سیاسی و بازیگر اصلی نظام در تبیین تعاملات بین المللی می باشند. زیرا حاکمیت و اقتدار معمول بر اساس اصول دولت محوری قرار گرفته است و دولت ها هستند که به واسطه عملکرد های خود، ساختار بین المللی را پدید می آورند. (حاج یوسفی، ۱۳۸۲: ۵۵).

۲) روابط بین الملل بی قاعده نیست، بلکه از یک سری اصول وقواعدی پیروی می کند. روابط بین الملل تعدادی از کنش گران سیاسی را در بر میگیرد که در تعامل متقابل با یکدیگر می باشند. این تعامل متقابل و مستمر بر اساس قواعد و هنجار هایی که به صورت بین الاذهانی شکل گرفته اند، صورت می پذیرد. مشیرزاده (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

۳) ساختار نظام بین الملل شامل هر دو عامل فرهنگی و مادی است و در عین حال ساختار های فرهنگی مورد توجه بیشتری قرار می گیرد. زیرا هنجار ها و هویت در کانون منافع ملی و فراملی قرار دارد. پس منافع و اهداف روابط خارجی بین دولت ها ارتباط نزدیکی با هویت مسلط دولتی دارد. (Barnett 2019: 106-7).

سازه انگاری چنین نیست. اونها به قواعد و حکم به عنوان شاخص های اصلی پارادایم عامل یعنی آنچه به رشته ای شکل می دهد، توجه دارد. او بر آن است که کردارها که به شکلی زبانی قوام یافته اند، نیروی محرکی اند که در فرایند قوام متقابل جامعه و کنشگران یا اسبشخاص عمل می کنند. حقایق آن گونه که ما آنها را می پنداریم، از استدلال هایی که در موردشان می شود، جدایی پذیر نیستند. (خداکرمی، ۱۳۸۹: ۲۲۰).

به نظر رويس اسمیت ساختار های فکری از سه سازوکار به هویت های کنشگران شکل می دهند: تخیل؛ که مانند ساختار های مادی بر تعیین آنچه کنشگران قلمرو ممکنات می بینند، تاثیر دارد، یعنی ساختار هایی غیر مادی کنشگران را متوجه می کنند که چگونه باید عمل کنند و چه محدودیت هایی دارند. ارتباطات؛ یعنی کنشگران برای توجیه رفتار های خود به هنجار های موجود متوسل می شوند (ذاکریان، ۱۳۸۰: ۲۸).



۳- نقش سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در منازعات امنیتی منطقه

در روایت قهرمان‌ساز، شهید سلیمانی حافظ امنیت ایران از تهدید داعش است و مامور گسترش مرزهای امپراتوری ایران. اما در روایت قاتل‌ساز، سلیمانی مدافع بشار اسد و قاتل جان هزاران زن و مرد و کودک سوری است و کسی که با دمیدن بر آتش جنگ‌های فرقه‌ای بین شیعه و سنی در منطقه امنیت ایران و ایرانیان را به خطر انداخته است. یکی از عامل‌های شاخص در اختلاف دیدگاه این روایت‌گران بستری است که کشته شدن شهید قاسم سلیمانی در آن رخ داده است. شهید قاسم سلیمانی در متن سرکوب و خفقان بعد از اعتراضات آبان کشته شد. (شفیعی، ۸۷: ۲۲۰).

در طول اعتراضاتی که دامنه آن به حدود صد شهر در ایران رسید بیش از هزار زن و مرد و حتی کودک کشته و هزاران نفر بازداشت شدند. برخورد به شدت قهرآمیز حکومت با معترضان باعث عمیق شدن شکاف بین آنها شد. برای بسیاری حادثه آبان به معنی رویارویی عریان مردم و حکومت است. این رویارویی با ادامه بازداشت دستگیرشدگان و ممنوعیت عزاداری برای کشته‌شدگان و دستگیری خانواده پویا بختیاری و آزار و اذیت زندانیان و امنیتی نگه داشتن فضا شدت یافت. (شفیعی عربی، ۱۳۸۷: ۲۵۸) برای کسانی که در این بستر حکومت و خود را در مقابل هم می بیند، روایت قهرمان‌ساز از کسی که یار درجه یک حکومت است به منزله ادامه سرکوب و دهن کجی به قهرمانان واقعی خود آن‌ها در خیابان‌های ایران است. در تاریخی که آنها تلاش به ثبتش می کنند قهرمانان واقعی کسانی هستند که به دستور رهبر شهید قاسم سلیمانی و به دست همکاران و همفکران او یا جانشان را از دست دادند و یا الان در زندان به سر می‌برند. (رولف، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

تا وقتی که این بستر به شکل فعلی‌اش بماند روایت "قاتل" ساز در مقابل روایت "قهرمان" ساز به تلاش برای ثبت تاریخ خود به منزله مبارزه ادامه خواهد داشت. پس از سقوط موصل در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ اقلیت‌های قومی منطقه غرب آسیا خصوصاً کردها، ترکمن‌ها، ایزدی‌ها، آرامنه مسیحی نیز به توحش و خونریزی گروه تروریستی داعش باور آورده و تسلط این قوم چندملیتی با خاستگاه هنجارشکنان غربی و عربی را برنرفته و تمامی تلاش خود را برای حفاظت در مقابل هجوم‌های بی‌وفقه و سنگین نظامی آنها به عمل آوردند. کوهن(کوهن، ۱۳۹۸: ۲۲۰). اما چه سود که توان و نیروی تازه نفس ملحق شده از کشورهای اروپایی و میلیاردها یورو کمک واصله از رژیم‌های مستبد پادشاهی عربی هر روز افزون تر و مقابله با آنها را سخت تر می نمود. در کمتر از چند ماه، بغداد در



آستانه سقوط قرار گرفته و می رفت تا کل سوریه و عراق، جولانگاه این قوم خونریز و وحشی شود. (قهرمانپور، ۱۳۹۹: ۷۴).

با پشت کردن بسیاری از کشورهای غربی حتی آمریکا به درخواست های عاجزانه کمک مقامات عراق و اقلیم کردستان که می رفت کشور ضد اسلامی داعش را همانند رژیم کودک کش اسرائیل به عرصه جهانی بیفزاید، حقایق آشکار گردید که در پس حضور نیروهای بیگانه خصوصاً آمریکا پس از سپتامبر ۲۰۰۱ نقشه تغییر ژئوپلیتیک منطقه که با هجوم و اشغال مستقیم عراق و افغانستان نتوانسته بودند بدان برسند، با ابزار داعش صحنه دیگر شطرنجی را گشوده و منویات خود را از آن طریق به منصفه ظهور برسانند. «سی. ان. ان» دو روز بعد از ترور شهید سردار سلیمانی در گزارشی نوشت: "مقامات ارشد امنیت ملی آمریکا بسختی تلاش می کنند از ادعای کاخ سفید، درباره اینکه ترور شهید سردار سلیمانی در واکنش به تهدیدهای فوری این ژنرال علیه منافع آمریکا صورت گرفته است، دفاع کنند اما فقدان شواهد، کنگره و افکار عمومی را درباره اینکه این حمله درست بوده یا خیر، دچار تردید کرده است." (محمدی، ۱۳۹۸: ۲۶۳).

اقدام تروریستی آمریکا در به شهادت رساندن شهید سردار سلیمانی و شماری از همراهان وی، یکبار دیگر نشان داد که جنگ آمریکا با تروریسم نیست؛ بلکه آمریکا خود خاستگاه تروریسم و علت اصلی ناامنی و شرارت در منطقه است. شهید سردار سلیمانی به عنوان یک استراتژیست نظامی، دروغ بودن ادعاهای آمریکا در جنگ با تروریسم را آشکار کرد و سیاست ایالات متحده در غرب آسیا را که مدعی ثبات و امنیت سازی در منطقه است، به چالش کشید. (سیف زاده، ۱۳۹۶: ۱۹۸). وی گروه تروریستی داعش را شکست داد و در قالب همکاری های مستشاری در سوریه و عراق، راه مقاومت را در منطقه هموار کرد. خطوطی که شهید سردار سلیمانی در جغرافیای مقاومت ترسیم کرد، طرح آمریکا و اسرائیل برای تجزیه منطقه را که در امتداد تسلط تروریست های تکفیری و داعش طراحی شده بود، به شکست کشاند. به جرأت می توان ادعا کرد که منطقه غرب آسیا به جهات مختلف محل تلاقی و تعارض منافع و خواست ها و در نتیجه محل بروز جنگ ها، خشونت ها و تحولات جهانی است. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

۴- واکنش کشورها در به شهادت حاج قاسم سلیمانی

نقش بی مانند و تاریخی شهید سردار سلیمانی در شکست بزرگترین و خشن ترین گروه تروریستی معاصر به ادعان حتی دشمنان ایران، غیر قابل انکار است. وی بارها تا مرز شهادت پیش رفت؛ پر واضح است که اقدام ایالات متحده در ترور «صلح سازترین ژنرال منطقه» و «فاتح نبرد علیه



تروریسم»، ناشی از استیصال آمریکا در مقابل محور مقاومت، ایران و رشادتها و شجاعت‌های ایشان بوده است. (دنیای اقتصاد شماره روزنامه ۵۲۰۳ شنبه ۵ تیر ۱۴۰۰)

شخصیت سردار شهید سلیمانی به عنوان اسوه ای انسانی و در راستای حمایت از مظلومان و مستضعفان، ابعاد وجودی وسیع و همه جانبه دارد و گستره شخصیت او فراتر از مرزهای ایران و جهان اسلام تعریف می‌شود؛ به تعبیر مقام معظم رهبری، ابعاد شخصیتی و وجودی این سردار شهید را باید به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگریست و آن وقت قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد. کار سردار شهید سلیمانی ایجاد موازنه امنیت از طریق قدرت‌سازی، تحرک ژئوپلیتیک و ائتلاف‌سازی بود. شهادت سردار شهید سلیمانی از این جهت برای کشور، نظام سیاسی و امنیت منطقه ای اهمیت دارد که ایشان نقش ویژه و منحصر به فردی را در عرصه مبارزه با تروریسم جهانی عهده دار شد. وی با بیان اینکه محیط امنیت منطقه ای در یکصد سال گذشته همواره مبتنی بر نشانه‌هایی از بحران، جنگ، تهدید و بی ثباتی در خاورمیانه بوده است، گفت: کودتاهای نظامی، آشوبهای اجتماعی، نظام‌های دیکتاتوری همگی اجتناب ناپذیر بودند، در سال ۱۹۹۱ ساختار دو قطبی کارکرد خود را از دست داد. در دوران ساختار دو قطبی امنیت منطقه ای کنترل شده بود و به اعتقاد یک نظریه پرداز، ساختار دو قطبی میزان stability بالایی را دارد چون شمار بازیگران محدود است، ثانیاً قالبهای ادراکی و رفتاری بازیگران مبتنی بر نشانه‌هایی از راشینالیته (عقلانیت راهبردی) هستند. (واعظی، ۱۳۹۵: ۱۲۰) تعریف مفهوم استراتژی راشینالیته گفت بدان معناست که آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در ارتباط با جنگ ایران و عراق یک نوع توافق عملی داشتند، از نخستین روزهای جنگ بین ایران و عراق ادموند ماسکی وزیر امور خارجه آمریکا و ادوارد شوارتز نادره وزیر امور خارجه شوروی رویکردهای نسبتاً همگونی را در پیش گرفتند. در دوران پس از جنگ سرد آمریکایی‌ها احساس کردند که در فضای هژمونی منطقه ای و قدرت بی بدیل جهانی قرار دارند. (رنجبر، ۱۳۹۵: ۱۹۶)

به این دلیل آمریکایی‌ها عملیات و اقدامات نظامی را در منطقه انجام دادند و در سال ۱۹۹۱ جنگ علیه عراق شکل گرفت و در سال ۲۰۰۳ نشانه‌هایی از ستیزش ایجاد شد و جورج بوش اقداماتی را در ارتباط با امنیت عراق انجام داد و از سال ۲۰۰۳ با اقدام نظامی علیه عراق آمریکایی‌ها امنیت منطقه را رها کردند. آمریکایی‌ها شرایطی را ایجاد کردند که نشانه‌هایی از فضای امنیت آشوب زده در آن شکل گرفت، حال آنکه در فضای امنیتی آشوب زده هیچ ساختار و بازیگر منطقه ای بین المللی وجود ندارد. در فضای امنیت آشوب زده ما شاهد این هستیم که نشانه‌هایی از بحران پیاپی، بحران دائمی و تکرار شونده وجود دارد. (واعظی، ۱۳۹۸: ۱۹۶)



سردار شهید سلیمانی در این دوران بود که وارد عرصه کنش امنیت منطقه ای شد اما مسأله این است که وقتی محیط منطقه ای در فضای بحران، تهدید و عدم امنیت قرار می گیرد چه بازیگری می تواند با نقش آفرینی خود کنترل و مدیریت امنیت را داشته باشد، اگر بازیگری وارد محیط آشوب زده نشود، به طور اجتناب ناپذیر شرایط برای بحران، آشوب، تروریسم و اعاده نشانه های تهدید دائمی فراهم می شود. (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۷۸)

ایران کوشید زمینه هایی ایجاد شود تا براساس آن نشانه هایی از همکاری های متقابل در فضای امنیت منطقه ای شکل بگیرد. کارکرد سردار شهید سلیمانی را هم می توانیم در ارتباط با نقش ایشان برای امنیت سازی منطقه ای مورد توجه قرار دهیم. (روزنامه کیهان، ۱۳۴۰: ۵)

وی با بیان اینکه نقشی که سردار شهید سلیمانی داشت، توانست در فضای آشوب که تروریسم گسترش می یافت، از ساز و کار امنیت ساز استفاده کند، در ادامه تصریح کرد: بدین ترتیب ایران گام نخست را برای امنیت سازی منطقه ای برداشت، البته ممکن است ادراک آمریکا، عربستان و کشورهای منطقه ای در این ارتباط با ایران متفاوت باشد؛ اما در هر حال رویکرد ایران امنیت سازی منطقه ای در محیط آشوب زده و ستیزش بود، نقش ایران مسئولانه بود و نه اینکه تحرک برای گسترش قدرت. (والتر، ۱۳۹۸: ۱۷۸)

شهید حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که در بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ در عملیات آذرخش کبود کشته شد. حدود ساعت ۱ بامداد جمعه ۳ ژانویه ۲۰۲۰ برابر با ۱۳ دی ۱۳۹۸ حمله هوایی آمریکا به دو خودرو در نزدیک فرودگاه بین المللی بغداد منجر به کشته شدن شهید قاسم سلیمانی شد. در این حمله ابومهدی المهندس از فرماندهان گروه شبه نظامی عراقی حشد شعبی به همراه ۹ تن دیگر کشته شدند. وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا اعلام کرده که دستور این حمله هوایی را دونالد ترامپ، رئیس جمهوری و فرمانده کل قوای این کشور صادر کرده است. (Otte, Evelien, ۲۰۰۸: ۱۴۳). کشته شدن شهید سلیمانی، واکنش های زیادی از سوی سازمان ها، دولت ها و اشخاص در پی داشت. اکثر مقام های ایرانی در واکنش های خود اقدام ایالات متحده آمریکا را محکوم و تهدید به انتقام کردند. پس از قتل قاسم شهید سلیمانی، گروهی از مردم ایران، هندوستان، پاکستان، گروه های اسلامی مالزی، فلسطین، ترکیه، حوثی های یمن، شیعیان کشمیر، طرفداران حزب الله در لبنان، طرفداران اسد در سوریه و مردم عراق تظاهراتی در محکومیت این اقدام آمریکا و همدردی با شهید سلیمانی برگزار کردند در مقابل ساعاتی پس از انتشار خبر کشته شدن شهید قاسم سلیمانی گروهی از شهروندان عراقی در



خیابانهای بغداد و اپوزیسیون سوریه در ادلب به شادمانی و پخش شیرینی پرداختند اجساد شهید قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و سایر کشته شدگان عملیات آذرخش کبود در بغداد، کاظمین، کربلا و نجف تشییع شد و هزاران نفر از مردم عراق در این مراسم حضور یافتند. سپس، این اجساد به ترتیب در شهرهای اهواز، مشهد، تهران، قم و کرمان با حضور گسترده مردم تشییع شد، به طوری که در مراسم تشییع در تهران، جمعیت چند میلیونی مردم گرد آمدند و برخی رسانه‌ها آن را شلوغ‌ترین مراسم تشییع پس از تشییع روح‌الله خمینی دانستند. در ۱۴ دی گروه گردان‌های حزب‌الله عراق از نیروهای امنیتی، پلیس و نظامیان عراقی خواست، ظرف ۲۴ ساعت از پایگاه‌ها، مراکز و سازه‌های متعلق به آمریکا حداقل یک کیلومتر فاصله بگیرند. عصر همان روز، ترامپ در رشته توییتی تهدید کرد که اگر ایران به شهروندان یا منافع آمریکا حمله کند، آمریکا ۵۲ نقطه در داخل ایران را هدف حمله قرار خواهد داد. دوشنبه ۱۶ دی وزارت دفاع آمریکا برای اعزام شش بمبافکن بی-۵۲ به جزیره دیگو گارسیا در اقیانوس هند برنامه‌ریزی کرد. این جزیره منطقه تحت قلمروی بریتانیا است و حدود دو هزار کیلومتری جنوب دریای عمان و دور از تیررس موشکهای ایران است. گفته شده است اگر دستور داده شود، این بمبافکن‌ها علیه ایران عملیات انجام خواهند داد. بی‌بی‌سی انگلیسی نوشت: «کشته شدن شهید قاسم سلیمانی خبر خوبی برای داعش است و بگاه بیزنس اینسایدر در مقاله‌ای به نقش شهید سلیمانی در شکل دهی جبهه علیه داعش پرداخت و بگاه‌های خبری همچون سی‌ان‌ان، تی‌بی‌اس، سی‌ان‌بی‌سی، جاستیس سکیوریتی و پولیتیکو هر یک در مقالاتی ضمن برشمردن اشتباه ترامپ به اهمیت نقش شهید سلیمانی در نبرد علیه داعش پرداختند. در ساعات پس از مرگ شهید سلیمانی ایرانیان چهار برابر نرخ معمول به توثیت کردن پرداختند. با وجود آنکه ایرانیان به‌طور تاریخی مخالف رژیم توثیت می‌کرده‌اند، به گفته واشینگتن‌پست «اکثراً واکنش منفی نسبت به قتل سلیمانی نشان دادند. در بین توثیت‌های فارسی هشتگ اول روز متعلق به واژه فارسی «انتقام/انتقام سخت» بود که با اختلاف فاحشی از دیگر هشتگها بالاتر قرار گرفت. بیشترین تصویر به اشتراک گذاشته شده نیز پرچم ایران بود. حتی کاربرانی که مطالب مخالف رژیم پست می‌کردند نیز نسبت به مرگ شهید سلیمانی واکنش منفی نشان دادند. قتل شهید سلیمانی خیلی‌ها را در محکوم کردن عمل آمریکا با یکدیگر متحد نمود. در مقابل به گفته صدای آمریکا کاربران ایرانی در تویتر با حدود ۱۳۰ هزار توییت با هشتگ IraniansDetestSoleimani به معنای «ایرانی‌ها از شهید سلیمانی متنفرند» طوفان تویتری به راه انداختند. در همان زمان در میان بیست و پنج هشتگ برتر ترند شده تویتر فارسی فقط دو هشتگ به‌طور آشکار موافق ترور بودند: ششمین هشتگ TnxPOTUS4Soleimani بود که از رئیس‌جمهور آمریکا بابت کشتن شهید سلیمانی تشکر می‌کرد. خبرگزاری بولتون ۱۳۹۹ ش ۴۹،۴۵۲



۵- سیاست خارجی کنونی ایران نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه

محدوده‌ی جغرافیایی که امروزه با نام خاورمیانه شناخته می‌شود، منطقه‌ای است که سرزمین‌های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس را در بر می‌گیرد. در واقع خاورمیانه بخشی از آفریقا - اوراسیا یا به طور خاص آسیا شمرده می‌شود و در بعضی موارد جزئی از آفریقای شمالی را شامل می‌گردد، که گروه‌های فرهنگی و نژادی گوناگونی را در بر می‌گیرد. بسیاری از تعریف‌های خاورمیانه - چه در کتاب‌های مرجع و چه در اصطلاح عامیانه - آن را ناحیه‌ای در جنوب غربی آسیا و دربرگیرنده کشورهای بین ایران و مصر معرفی می‌کنند. با اینکه بخش بیشتر کشور مصر (به جز صحرای سینا) در آفریقای شمالی واقع شده ولی آن را جزو خاورمیانه می‌دانند. (Danahar, 2013: 155)

خاورمیانه؛ منطقه‌ای مملو از پیچیدگی‌ها، درهم تنیدگی‌ها و آشوب‌های مداوم امنیتی که در دهه‌های مختلف مناقشات متنوع با دال‌های مختلف را تجربه کرده است. داناها می‌نویسد: در چهل سال گذشته تلویزیون‌های جهان تصاویری از عصبانیت، خشونت و عملیات نظامی بین‌المللی را در خاورمیانه نشان داده‌اند، ولی متمایز ساخته، تأثیرگذاری عمده بر ساختار نظام بین‌الملل بوده که توانسته نگاه بسیاری از بازیگران بین‌المللی را به خود جلب کند (میرزایی، ۱۳۹۷: ۱۵۶).

۶- شهید سردار حاج قاسم سلیمانی مساله امنیتی آمریکا

سردار شهید سلیمانی در صحنه داخلی ایران، مذاکره با آمریکا را قبول نداشت و خطاب به آنان که درصدد بودند دشمن بودن با آمریکا را کم‌رنگ کرده و مرزهای انقلاب اسلامی را به نفع آمریکا بشکنند می‌گفت این خیانت است. او زمزمه به راه انداختن برجام دو و برجام سه که ناظر به محدود کردن میدان عمل جبهه مقاومت در منطقه و محدود کردن قدرت دفاعی ایران بود را خیانت به ایران دانسته و این زمزمه را سبب از بین رفتن منافع ملی و امنیت ملی ایران می‌دانست. او معتقد بود خط سازش و تسلیم شدن به آمریکا خط خیانت است و باید بدون تعارف در مقابل آن ایستاد.

سردار شهید سلیمانی معتقد بود باید با گسترش حلقه‌های مقاومت اسلامی در همه کشورهای منطقه، منطقه جدیدی ساخت که آمریکا و رژیم صهیونیستی و همکاران عربی مثل سعودی‌ها و به طور کلی، غرب نتواند در آن رسوخ کرده و به سیاست‌های تجاوزکارانه خود ادامه دهند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).



او در مذاکره با مقامات مختلف منطقه از جمله افغانستان، پاکستان و آذربایجان، همکاری با نیروهای مقاومت را به نفع آنان اعلام کرد. او توانست در مذاکره با مقامات افغانستان، «فاطمیون» را به عنوان ضامن مهم امنیتی افغانستان در برابر تروریسم و گروه‌های جدایی طلب و به عنوان بخشی از ساختار امنیتی افغانستان تبدیل کند و در مذاکره با مقامات پاکستان، «زینبیون» را نیروهایی قابل افتخار برای دولت پاکستان جا انداخت و دولت را به کمک آنان ترغیب کرد. شهید سلیمانی توانست با مذاکرات طولانی، مقامات عراق را متقاعد کرد که «حشدالشعبی» را به عنوان بخش مهمی از ساختار نظامی امنیتی بپذیرد و پارلمان عراق آنها را به رسمیت شناخت و از این طریق آن را ماندگار کرد. پیش از این تلاش‌های سردار شهید سلیمانی سبب ارتقاء موقعیت سیاسی حزب‌الله در ساختار و جامعه لبنان شد. کما اینکه با کمک سردار سلیمانی گروه‌های مردمی فلسطین شامل حماس، جهاد و گردان‌های فلسطین به یک قدرت مهم امنیتی، نظامی و سیاسی فلسطینی تبدیل شدند. (روزنامه کیهان، ۱۴۰۰: ۶)

این بیانیه در تشریح اعتقاد شهید سلیمانی به فرمانده کل قوا، آورده است: ولایت و رهبری یکی از سرفصل‌های مهم زندگی و عمل سردار شهید سلیمانی است. او حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه را «احیاگر اسلام» می‌دانست و معتقد بود در دو قرن گذشته هیچ شخصیتی همسنگ او نیامده است. او در جلسات می‌گفت در طول دوران غیبت، شخصیت‌های مهمی در جهان اسلام و به خصوص در بین شیعیان ظهور و بروز پیدا کرده‌اند و اثرات مهمی هم برجای گذاشته‌اند ولی هیچ‌کدام در مرتبه و جایگاه امام خمینی نبوده و کاری که او کرده است، نکرده‌اند. (Waewer, 56:5)

او از این منظر اطاعت از حضرت امام و خط و راه او را نه یکی از راه‌های سعادت بلکه تنها راه سعادت بشر می‌دانست. این درک او از موقعیت حضرت امام خمینی سلام‌الله علیه در اسلام ناشی از «احساس» نبود، بلکه با مطالعه عمیق روی آثار علمای سلف و مراجع بزرگ و با ذکر موارد زیاد همراه بود. (مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

ولایت و رهبری از منظر سردار شهید سلیمانی فقط جنبه استدلال‌های کلامی نداشت و موضوع فقط به تأثیر اخروی آن هم محدود نبود. او معتقد بود بدون ولایت هیچ خیری در جامعه محقق نمی‌شود و هیچ چیز جای آن را نمی‌گیرد. او می‌گفت با عقل و مشاوره و تأمل نمی‌توان به آنچه رهبری به آن رسیده است، رسید؛ بلکه این امر متوقف به غرق شدن در محبت او و قبول و اطاعت از تدابیر اوست. او در پاسخ نخست‌وزیر وقت ترکیه که به طعنه گفته بود تو استاد تاکتیکی ولی



استراتژیست خوبی نیستی، گفته بود من لازم نیست استراتژیست باشم چرا که در بالای سرم بزرگترین استراتژیست را دارم و این چیزی است که شما ندارید و لذا تاکتیک‌های شما هم به جایی نمی‌رسد. (رنجبر، ۱۳۹۵: ۵۱)

سردار شهید سلیمانی در موضوع رهبری، «ولایت‌محور» و «ولایت‌مدار» بود، اما در این اندازه‌ها متوقف نبود. ولایت‌محوری و ولایت‌مداری صفت شخصی هستند که بسیار هم خوب است و سبب عاقبت به خیری هم می‌شود و بسیاری از مسایل را هم حل می‌کند و برای انسان‌های عادی مطلوب است ولی در نهایت یک «صفت شخصی» است و تبعات مثبت شخصی دارد. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بسیار فراتر از آن و در واقع «ولایت‌افزا» بود. او بازوی واقعی رهبری و برازنده لقب «مالک اشتر علی» بود. (مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

سردار شهید سلیمانی ولایت‌افزا بود به این معنا که با اقدامات و نوع رفتار خود میلیون‌ها نفر را به دوستداران رهبری اضافه می‌کرد. او بهترین واسطه مردم و رهبری بود و موجی که او در زندگی و شهادتش در دفاع از انقلاب اسلامی و منطق آن به راه انداخت، از دیگران ساخته نبود. بخش زیادی از پیروزی‌های انقلاب اسلامی در داخل، مرهون موفقیت‌های بزرگ انقلاب در محیط خارجی است. بسیاری از مردم کاستی‌های داخلی را با نگاه به موفقیت‌های خارجی نظام تحمل می‌کنند و بسیاری با نگاه به موفقیت خارجی نظام، زیر بار تهمت ناکارآمدی نظام نرفته‌اند و به درستی ناکارآمدی‌های داخلی را مربوط به مسئولین اداره داخلی کشور دانسته‌اند. در واقع موفقیت‌های گسترده نظام در خارج از کشور، بقاء انقلاب را در داخل بیمه کرد و این موفقیت‌ها، راه رهبری حضرت امام خامنه‌ای دامت برکاته را تسهیل کرد. (Eran Etzion، ۲۰۲۰: ۲۵۶).



نتیجه گیری

نقش حاج قاسم سلیمانی در پیروزی‌های جبهه مقاومت در مبارزه با استکبار جهانی، صهونیسم بین‌الملل و ارتجاع منطقه یک نقشی اثرگذار می‌باشد که موجب شد خلافت خودخوانده داعش در عراق و سوریه از بین رود و از وی به عنوان نمادی از مبارزه به تروریسم در جهان مطرح شود. این تحقیق به روش که با هدف بررسی نقش سردار سپهبد قاسم سلیمانی در محور مقاومت با استفاده از جستجوی اینترنتی و مرور سایر منابع مرتبط صورت پذیرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که فرمانده شجاع و دلاور نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با داشتن تفکری نظامی، اندیشه‌ی استراتژیک و به مانند یک دیپلمات زیرک، به عنوان نیروی فعال در سیاست خارجی کشورمان نقشی مهم ایفا می‌کرد. قاسم سلیمانی برای جمهوری اسلامی تنها یک فرمانده نظامی نبود، او نماد «محور مقاومت» بود که پایه‌های جمهوری اسلامی بر آن بنا شده است. فراز و نشیب‌های تاریخی گسترده در خاورمیانه تحت تأثیر مؤلفه‌های هویتی درون منطقه‌ای؛ همچنین نقش مداخله‌گر بازیگران فراملی در فضای سیاست داخلی و خارجی این منطقه هست. در منطقه خاورمیانه برای دهه‌های متممادی به دلیل اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی، حضور بازیگران مداخله‌گر و رقابت بازیگران منطقه‌ای یک نظم منطقه‌ای پایدار ایجاد نشده است. در چنین روندی، نظم به معنای ایجاد یک الگوی مدیریت امنیتی با وجود تعارضات و رقابت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به معمایی حل نشدنی تبدیل شده‌است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه طی چند دهه اخیر تلاش کرده است تا یک نظم منطقه‌ای در چهارچوب ظرفیت‌های درون منطقه‌ای و با حضور همه کشورهای منطقه ایجاد نماید. در خصوص دسته‌بندی انواع سیستم‌های نظم منطقه‌ای نیز باید گفت، طیف گسترده‌ای وجود دارد که از ترتیبات سنتی که در آن مدیریت نظم از طریق توزیع متناسب قدرت یا موازنه تأمین می‌شود گرفته تا اقدامات همکاری جویانه متنوع در سطح مدیریتی نظم مانند کنسرت قدرت‌های بزرگ، امنیت دسته جمعی و جامعه امنیتی تکثرگرا یا درجه‌ای از همگرایی را شامل می‌شود. جمهوری اسلامی ایران برای سال‌ها تلاش کرده با بهره‌گیری راهبردی از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه و شناساندن خود به عنوان یک قدرت و بازیگر منطقه‌ای فعال در منطقه خاورمیانه، الگوی مورد نظر از نظم را در مناسبات امنیتی خاورمیانه مسلط سازد. الگوی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران را می‌توان «مدیریت دسته جمعی چندجانبه» نامید که برقراری نظم منطقه‌ای را صرفاً حق ویژه و امتیاز کشورهای بزرگ نمی‌داند؛ به بیان دیگر، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است از طریق همیاری مجموعه بازیگران منطقه‌ای، مانع دخالت قدرت‌های بزرگ فرمانطقه‌ای شود. این الگو در



دوره‌های مختلف ریاست جمهوری اسلامی به ویژه دوره‌های ریاست جمهوری «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» و «سیدمحمد خاتمی» از طریق سیاست «تنش‌زدایی» به طور فعالانه‌ای دنبال شد. با انتخاب «حسن روحانی» و روی کار آمدن دولت یازدهم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی با دگردیسی‌های جدیدی مواجه شد و توجه به کشورهای همسایه و منطقه به عنوان اولویت اصلی مطرح گردید و دولت یازدهم با راهبرد تعامل سازنده و سیاست تنش‌زدایی، نظم مورد نظر خود که همان نظم منطقه‌ای پایدار است، دنبال می‌کند.

تحلیل ارائه شده در پایان بهره پیشین در خصوص چگونگی توصیف موضوع امنیت از دیدگاه سازه انگاری در روابط بین الملل متضمن دو استنتاج نظری بسیار مهم در مطالعات امنیتی است. در واقع از این نظر، مطالعات امنیتی سازه انگارانه می‌تواند دو مسأله به ظاهر لاینحل در این ارتباط را حل کند. استنتاجات مذکور عبارتند از: (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

۱- امنیت به عنوان یک موضوع مستلزم پذیرش یک سطح تقابلی ذهنی - عینی است؛ بر این اساس و با توجه به مؤیدات دیدگاه سازه انگاری امنیت ذهنی و امنیت عینی غیر قابل تمایز و تفکیک هستند.

۲- امنیت به عنوان یک موضوع مستلزم پذیرش یک سطح تحلیلی داخلی - خارجی یا داخلی - بین المللی است؛ از این نظر با توجه به مؤیدات دیدگاه سازه انگاری، شکاف بزرگتر دو سطح داخلی و خارجی بی معنا است. بدین قرار امنیت داخلی و امنیت خارجی غیر قابل تمایز و تفکیک هستند. توجه سازه انگاری به طور توأمان به امور اندیشه ای و مادی، تکوین قواعد و هنجارها در دو سطح داخلی و نظام گونه، و فهم های میان ذهنی مؤلفه های قابل توجه ای در ارزیابی مقوله امنیت محسوب می شوند. در جهان معاصر روابط بین الملل که فرهنگ اهمیتی مضاعف یافته است، دیگر نمی توان از چشم انداز تنگ نظرانه سنت واقع گرایی که صرفاً بر ملاحظات مادی تکیه کرده مقوله امنیت را ارزیابی کرد. تحولات پس از جنگ سرد، به خصوص تحولات پس از رویداد تاریخ ساز یازده سپتامبر ۲۰۰۱، نشان داد که فهم کنشگران از یکدیگر - آنچه فکر می کنند هستند - در شکل گیری هویت های امنیتی بسیار حائز اهمیت است. این تحول کیفی توجه صرف به مسائل عینی و سطح تحلیل بین المللی را خدشه دار ساخت، چرا که معادلات امنیتی جدید ملاحظاتی را سبب شد که جز با توجه به فهم کنشگران از یکدیگر در یک بافت فرهنگی امکانپذیر نیست؛ امری که تا زمان حاضر نیز تداوم یافته است.



منابع

- ۱- ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۸). «تنش‌زدایی در سیاست خارجی، مورد: جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۶۸)». فصلنامه سیاست خارجی. سال ۱۳، شماره ۴.
- ۲- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر قومس.
- ۳- است (دنیای اقتصاد شماره روزنامه ۵۰۱۲ شنبه ۵ تیر ۱۳۹۹)
- ۴- است (دنیای اقتصاد شماره روزنامه ۵۲۰۳ شنبه ۵ تیر ۱۴۰۰)
- ۵- اسدالهی، مسعود، (۱۳۷۹). از مقاومت تا پیروزی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور
- ۶- آقای، سید داوود، رسولی، الهام (۱۹۵)، «سازه‌انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱، صفحات ۶۱-۱.
- ۷- بوزان، باری و الی ویور. (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها. ترجمه رحمان قهرمان پور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- بوزان، باری، (۱۳۸۸). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۹- پاک آئین، محسن، (۱۳۹۹) تحلیلگر مسائل بین الملل، www.Khemenei.ir.
- ۱۰- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۳). سیاست خارجی، عرصه فقدان تصمیم و تدبیر؟! تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- ۱۱- حاج یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۲) «سیاست خارج ایران در قبال اسرائیل»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱، صص ۲۲-۵۴.
- ۱۲- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم.
- ۱۳- خبرگزاری بولتون ۱۳۹۹ ش ۴۹، ۴۵۲



۱۴- خداکرمی، سارا، (۱۳۸۹). مدیریت نظم منطقه‌ای خلیج فارس پس از یازده سپتامبر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. امام جمعه زاده، جواد. دانشگاه اصفهان، گروه علوم اداری و اقتصاد.

۱۵- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۳). «طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۷، شماره ۲۵.

۱۶- ذاکریان، مهدی، (۱۳۸۰). سیاست خارجی خاتمی از نگاه صاحب‌نظر. تهران: انتشارات همشهری.

۱۷- رضایی علیرضا و قاسم ترابی، (۱۳۹۲). «سیاست خارجی دولت حسن روحانی تعامل سازنده در چهارچوب دولت توسعه‌گرا». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۵، شماره ۱۵.

۱۸- رضایی، علی‌اکبر، (۱۳۸۴). «بررسی‌های نظری در حوزه سیاست خارجی ایران: دستاوردها و توصیه‌ها». فصلنامه سیاست خارجی. سال ۱۹، شماره ۱.

۱۹- رضایی، روح‌الله، (۱۳۸۶). چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.

۲۰- رنجبر، مقصود، عابدی، محمد، (۱۳۹۸)، «تحلیل ابعاد منطقه‌ای جنگ‌های اسرائیل با حزب الله و حماس بر مبنای رویکرد موازنه قدرت»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره سوم، صص ۹۹-۷۷.

۲۱- رولف، رالف، یورگن رولاند، (۱۳۹۳). میان منطقه‌گرایی و روابط بین‌الملل. ترجمه الهه کولایی، محمدکاظم شجاعی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۲- (روزنامه جوان، ۱۳۹۹: ۳)

۲۳- (روزنامه کیهان، ۱۳۹۹: ۴)

۲۴- (روزنامه کیهان، ۱۳۴۰: ۵)

۲۵- (روزنامه کیهان، ۱۴۰۰: ۶)



- ۲۶- سیحانی، سید محمد علی، (۱۳۹۰)، «تاثیر جنگ ۳۳ روزه اسرائیل با حزب الله لبنان بر جایگاه منطقه ای ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، دانشکده علوم سیاسی
- ۲۷- سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۹۶). نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌المللی فردی - جهانی شده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۸- شاخص‌های سیاست خارجی دولت روحانی، (۱۳۹۳). قابل دسترس در سایت انتخاب.
- ۲۹- شفیعی، نودر، مرادی، احمد، (۱۳۸۷)، «تاثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه ای ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد شهرضا، شماره نخست، صص ۶۴-۴۱.
- ۳۰- شفیعی‌عربی، میرعلی، (۱۳۸۷). «اهمیت منطقه خاورمیانه و بررسی اجمالی طرح خاورمیانه بزرگ». فصلنامه فضای جغرافیایی. دوره ۸، شماره ۲۳.
- ۳۱- قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۶). دیپلماسی و روابط بین‌الملل. تهران: نشر میزان. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۲). نظریه‌های روابط بین‌الملل: بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌های بین‌المللی. تهران: نشر میزان.
- ۳۲- قهرمانپور، رحمن، (۱۳۹۹) «تحلیل تکوین گرایانه سیاست خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۳، صص ۴۵-۵۲.
- ۳۳- کوهن، سامنول، (۱۳۹۸). ژئوپلیتیک نظام جهانی. ترجمه عباس کاردان. تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
- ۳۴- مجله پگاه حوزه، ۱۳۸۵، شماره ۱۹۰، تاریخچه و عملکرد حزب الله لبنان و نقش انقلاب اسلامی ایران
- ۳۵- محمدی الموتی، محسن، (۱۳۹۸) : «هدف و ساز و کار های سیاست خارجی در اسلام»، فصلنامه انسان پژوهی دینی، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۱۱۵-۱۳۷
- ۳۶- محمدی، منوچهر، (۱۳۹۸) سیاست خارجی جمهوری اسلامی. تهران: نشر دادگستر.
- ۳۷- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.



۳۸- منسفیلد، پیترو، (۱۳۸۸). تاریخ خاورمیانه. ترجمه عبدالعلی سپهبدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۹- منصورى، جواد، (۱۳۹۷). سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴۰- میرزایی، خلیل، (۱۳۹۷). پژوهش، پژوهش‌گری و پژوهش‌نامه نویسی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۴۱- واعظی، محمود، (۱۳۹۸). «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا». مجموعه مقالات همایش سیاست خارجی توسعه‌گرا. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۴۲- واعظی، محمود، (۱۳۹۸). «نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش‌های هژمونی آمریکا». فصلنامه روابط خارجی. دوره ۲، شماره ۶.

۴۳- والتر، کنت، (۱۳۹۸). نظریه سیاست بین‌الملل. ترجمه غلامعلی چگینی‌زاده و دیگران. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

44- aylor, Charls (2018), source of self: the making of Modern Identity, Cambridge ICambridge University press .

45- Barnett, Michael n. (2019). Dialogues in Arab politics: negotiations in regional order. New York: Columbia university press.

46- Danahar ,Paul. (2013). The World after the Arab Spring, The New Middle East. Available at: www. Bloomberg.com/uk/the-n.

47- Deutsch, Karl & J. David Singer. (2018). Multipolar Power System and International Stability, World Politics. Vol. 16.(۳)

48- Eran, M., Brown, N. J ,Hamzawy, A., Sadjadpoor, K., Salem, P. (2008), For International Peace, The New Middle East. Available at: <http://carnegieendowment.org/2008/02/25>.

49- Otte, Evelien, Rousseau, Ronald. (2008). Social network analysis: a powerful strategy, also for the information sciences. Journal of Information Science, Vol. 28 (, pp. 441-453.)



Examining the role of Martyr Soleimani against the security conflicts of the Zionist regime and global terrorism from the perspective of human rights

Dr. Saeid Jahangiri ¹ / Hakimeh Sadat Mirrafee ²

Abstract

Martyr Sardar Qassem Soleimani, Commander of the Quds Force of the Revolutionary Guards and Director of Planning and Operation of Iran's Security Hardware as the Axis of Shiite Power in the Middle East Had become the center of the axis of resistance. The assassination of General Soleimani not only did not weaken the resistance, but also made it more cohesive. The role of Haj Qassem Soleimani in the victories of the Resistance Front in the fight against global arrogance, international Zionism and regional reaction is an influential role that led to the destruction of the self-proclaimed caliphate of ISIL in Iraq and Syria and as a symbol of the fight against terrorism in Let the world be raised. Our main question in this research, which is descriptive and analytical, is what was the role of Martyr General Qassem Soleimani in the axis of resistance in the security conflicts of the occupying Zionist regime? The findings show that the brave and courageous commander of the Quds Force of the Islamic Revolutionary Guard Corps, with his military thinking, strategic thinking and like a shrewd diplomat, played an important role in our country's foreign policy as an active force. Qassem Soleimani was not just a military commander for the Islamic Republic, he was a symbol of the "axis of resistance" on which the foundations of the Islamic Republic are built.

keywords: Martyr Haj Qassem Soleimani, terrorism, Zionist occupation regime, ISIS, security conflicts

¹ University Lecturer, PhD in Political Science of Iranian Issues, Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit. (Corresponding Author)

saeidjahangiri61@yahoo.com

² Master's student in private law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Semnan branch.

hakimemirrafee63@gmail.com

